



نایجل هریس^۱ Nigel Harris

نایجل هریس مشاور مستقل اقتصادی و استاد ممتاز بازنشسته اقتصاد شهر دانشگاه لندن است. او به مدت ۲۸ سال از مدرسان تمام وقت واحد برنامه‌ریزی توسعه آکالج دانشگاهی لندن^۲ بود و در سال‌های ۱۹۸۲-۱۹۸۹، سرپرستی این واحد را برعهده داشت. نایجل هریس در اغلب کشورهای در حال توسعه (به ویژه هند، آسیای شرقی و جنوب شرقی، مکزیک و کلمبیا) برای دولت‌ها، نمایندگی‌های بین‌المللی و مشاوران خصوصی فعالیت کرده است.

زمینه‌های تخصصی ایشان عبارت است از:

- مهاجرت داخلی و بین‌المللی؛

- اقتصاد شهر و توسعه در کشورهای در حال توسعه و

- اقتصاد صنعتی، توسعه و کار.

او در سال‌های ۱۹۹۹-۲۰۰۰ مشاور بانک جهانی و در پی آن مشاور Cities Alliance برای پایه‌گذاری و طراحی راهبردهای توسعه شهری (CDS)^۳ بوده است و این استاد برجسته یکی از بانیان اصلی مبحث CDS، برای طراحی راهبردهای توسعه شهری است. از فعالیت‌های دیگر وی می‌توان به پژوهش مربوط به شهرنشینی و صنعت پوشاک (مصر، هند، بنگلادش و چین) و مسئولیت بخش اقتصادی راهبردهای توسعه شهری در های‌فونگ (ویتنام) و کالی (کلمبیا) اشاره کرد.

وی هم‌چنین به عنوان مشاور ارشد بانک جهانی در تدوین شرح خدمات راهبرد توسعه شهری، برای شهرهای قزوین، انزلی و شاهرود در ایران نیز فعالیت کرده است (۲۰۰۶). نایجل هریس در بسیاری از دوره‌های آموزشی بانک جهانی دخیل بوده (تورنتو، جی‌پور و برازیلیا) و برنامه توسعه اقتصادی شهر یوگیو کار تارا با همکاری شرکت پادکو^۴ تدوین و در این اواخر نیز چهارچوب مفهومی یک پروژه پژوهشی بانک جهانی را در زمینه توسعه اقتصاد شهر در چهار شهر آمریکای لاتین تدوین کرده است (۲۰۰۷).

نایجل هریس مشاور ارشد سیاست‌گذاری (در رابطه با مهاجرت) مرکز سیاستی اروپا^۵ در بروکسل^۶ و رئیس کمیسیون مهاجرت انجمن سلطنتی هنر، صنعت و موارد مرتبط دیگر نیز می‌باشد^۷. او به همراه پروفیسور پاتریک ویکلی^۸، سه سال نخستین کار Cities Alliance (واشنگتن ۲۰۰۳) و به همراه پروفیسور پیتر تاون رو^۹ پروژه پژوهشی اصلی شورای اقتصاد و تحقیقات اجتماعی انگلستان^{۱۱} (شهرها: رقابتی بودن و پیوستگی، ۲۰۰۳) را ارزیابی کرده و هم‌چنین استاد مهمان در دانشگاه‌های کالیفرنیا (لس‌آنجلس)، هنگ‌کنگ، کیو (توکیو) و دانشگاه آمریکایی قاهره بوده است. وی تألیفات بسیاری نیز شامل کتاب، مقاله، یادداشت و گزارش دارد.

این بخش به ارائه مقالاتی اختصاص دارد که توسط استادان مجرب دانشگاه‌ها، متفکرین و سیاست‌گذاران برای دستیابی به اهداف و حوزه کاری این مجله نگاشته می‌شود. از اهداف این بخش فراهم کردن زمینه‌ای برای بیان و تبادل دیدگاه‌ها و نظرات میان متخصصین اقتصاد شهری را می‌توان نام برد.

مقالات ارائه شده در این بخش مسائل کنونی را بررسی کرده و دیدگاه‌های نوینی را در رابطه با محرک‌ها، مؤلفه‌ها، تجارب و مشکلات اقتصاد شهر و مالیه شهرداری ارائه می‌نماید. هم‌چنین این بخش می‌تواند بحث‌های تئوریک و نظریه‌پردازی‌های صرف و بدون کاربرد عینی را ارائه داده و یا به مشکلات سیاست‌گذاری‌های مشخص برای تأثیرگذاری آتی بپردازد. از سوی دیگر این مقالات ممکن است بدون کار و پژوهش میدانی و بر مبنای بررسی‌های مرجع‌های موجود و یا آگاهی عمیق از موضوعات خاص و تجربه‌های درازمدت سیاست‌گذاری و اجرا، ارائه گردد.

امید است تا با بررسی و نقد نظرات متخصصین، پاسخ‌های مناسبی برای مشکلات اقتصاد شهری یافته و بتوان کمک‌های فکری مناسبی را برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی و مالی شهرهای کشور ارائه داد. در این شماره از فصلنامه، نایجل هریس، اقتصاددان و متخصص در توسعه اقتصادی و شهری معرفی شده و مقاله ایشان با عنوان «تهران، شهرهای جهانی و بحران اقتصاد جهانی» ارائه می‌شود.

تهران، شهرهای جهانی و بحران اقتصاد جهانی

● نایجل هریس
استاد کالج دانشگاهی لندن

چکیده

هدف از ارائه این مقاله بررسی و تجزیه و تحلیل این موارد خواهد بود:
- موقعیت و جایگاه سند چشم‌انداز شهر تهران^{۱۲} (به عنوان بخشی از راهبرد توسعه)؛
- تعریف «شهر جهانی» و الزامات مورد نیاز برای تحقق این وضعیت؛
- موارد تجدید ساختار اقتصادی شهرهای بزرگ که به منظور تأثیرات متقابل جهانی ایجاد شده است؛
- عملکردهای شهر جدید جهانی؛
- مشکلات موجود در راه گذار شهرها (به سوی جهانی شدن)، با وجود ماهیت بحران اقتصادی جهانی و پیامدهای آن برای شهرها و کشورهای در حال توسعه؛
- فرصتهایی که این بحران برای تغییر جایگاه شهر به وجود آورده و وظایف مدیران شهرها و
- جمع‌بندی در رابطه با آینده تهران.

مقدمه

چشم‌انداز شهر تهران، برای آینده پایتخت ایران چندین هدف را دربرمی‌گیرد^{۱۳}. این اهداف به نظر بلندپروازانه هستند ولی بسیار جدی تلقی می‌شوند؛ بنابراین جا دارد در مورد آنها بحث و بررسی وسیع‌تری صورت گیرد. این چشم‌انداز نمی‌تواند تخیل یا خیال‌پردازی، یعنی گمانه‌زنی نامحدود و بدون توجه به واقعیات موجود باشد و تنها در صورتی معنا می‌یابد که از مکانی که شهر اکنون در آن قرار دارد آغاز شده و تحلیل کاملی از فعالیت‌های شهر و شهروندان ارائه شود. این چشم‌انداز می‌تواند این موارد را دربرگیرد: چگونگی کسب درآمد لازم برای زندگی و رفاه پایدار خانوار؛ تأثیر آنها در ایران و جهان و خاستگاه شهر (روش‌های پیشین و کنونی ساختار فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی).
با این تجزیه و تحلیل، شناسایی نقاط قوت و ضعف فعالیت شهر و پتانسیل آن در آینده امکان‌پذیر می‌شود. از این طریق می‌توان گام‌های عینی مورد نیاز مراجع مسئول دولتی، جامعه مدنی و افراد را برای دسته‌بندی این پتانسیل‌ها و ابزار لازم برای غلبه بر موانع موجود، به دست آورد.

البته، پیش‌بینی حتمی اتفاقات آتی ناممکن است، زیرا پتانسیل‌ها و تهدیدات جدید در فرایند توسعه شهر آشکار می‌شوند. بنابراین چشم‌انداز آن باید نرمش‌پذیر بوده و روش‌شناسی^{۱۴} آن نیز با آشکار شدن شرایط آتی قابل بازنگری باشد. عنصر اصلی خلاقیت حکومت‌های محلی، تشکل‌های مربوط به بخش خصوصی یا NGO فعال در شهر مورد نظر، استفاده از فرصت‌هایی است که هنگام شکل‌گیری آغازین چشم‌انداز پیش‌بینی نشدنی بوده است.

سه مورد از این اهداف مربوط به تبدیل تهران به یک «شهر جهانی» است. این چشم‌انداز منظور از «شهر جهانی» را بیان نمی‌کند، و اینکه شهر تهران کنونی چه فاصله‌ای با «شهر جهانی» مورد نظر دارد؟ پتانسیل‌های آن برای تبدیل به چنین وضعیتی چیست؟ می‌توان گفت اهمیت شهر جهانی در این است که مانند بخشی از یک شبکه جهانی عمل می‌کند، یعنی کالاها و خدمات را نه تنها برای شهروندان محلی، بلکه برای بازارهای جهانی فراهم می‌کند (البته این به معنای بی‌توجهی به نیازهای ساکنین شهر نیست)

اینک پرسش این است که چشم‌انداز تهران تا چه میزان با این الگو مطابقت دارد؟ به نظر می‌رسد استحکام و تفصیل تجزیه و تحلیل شهر کنونی و آنچه که شهروندان انجام می‌دهند که خلاف مشکلات کنونی است پیش‌بینی دقیقی از آینده به دست نمی‌دهد. افزون بر این، این اهداف آنقدر مشخص و روشن نیستند تا توانایی شناسایی انواع پروژه‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌هایی را داشته باشند که برای تحقق آنها طراحی می‌شوند؛ و یا دست‌کم معیاری برای اندازه‌گیری موفقیت در این راه باشند.

از سوی دیگر باید گفت بسیاری از اهداف تنها رفاه شهروندان را در نظر می‌گیرند؛ گویی که منظور از وجود شهر، برآورده ساختن نیازهای افرادی است که اتفاقی یا زیستگاهی، اکنون در آن زندگی می‌کنند. چنین تصویری از سوی شهروندان درک شدنی است؛ اما کلان‌شهر تهران تنها متعلق به ساکنان آن نیست، بلکه به تمام مردم

ایران و در نهایت جهان تعلق دارد.

سه مورد از این اهداف مربوط به تبدیل تهران به یک «شهر جهانی»^{۱۹} است. این چشم‌انداز منظور از «شهر جهانی» را بیان نمی‌کند، و اینکه شهر تهران کنونی چه فاصله‌ای با «شهر جهانی» مورد نظر دارد؟ پتانسیل‌های آن برای تبدیل به چنین وضعیتی چیست؟ می‌توان گفت اهمیت شهر جهانی در این است که مانند بخشی از یک شبکه جهانی عمل می‌کند، یعنی کالاها و خدمات را نه تنها برای شهروندان محلی، بلکه برای بازارهای جهانی فراهم می‌کند (البته این به معنای بی‌توجهی به نیازهای ساکنین شهر نیست).

در دهه ۸۰، شهروندان هنگ‌کنگ و سایر افرادی که توانایی سفر به شهر به منظور خرید پوشاک را داشتند، می‌توانستند بهترین و ارزان‌ترین پوشاک جهان را در این شهر تهیه کنند، زیرا کارخانجات پوشاک آنها در شرایط رقابتی بسیار شدید، کل جهان را پوشش داده و هدف آنها تنها شهروندان هنگ‌کنگی نبود. نمونه دیگر، شهر نیویورک است، نیویورک مرکزی فرهنگی برای ساکنان آن و تمام جهان است. بنابراین افراد با استعداد از سایر نقاط جهان در آنجا برای اجرا یا آفرینش گردهم می‌آیند. این شهرها اگر تنها به شهروندان خود می‌اندیشیدند، هنگ‌کنگ لباس‌هایی با کیفیت پایین و بهای گران، و نیویورک فرهنگ فقیری داشت.

افزون بر این، هر «شهر جهانی» ماهیتی منحصر به فرد دارد. در کنار دارا بودن مشترکاتی با شهرهای دیگر (که به ویژه به شرایط ملی و محلی آن بستگی دارد)، سهم ویژه‌ای نیز در شبکه جهانی شهرها و کشورها دارد که اغلب تنها با جداسازی داده‌ها مشخص می‌شود؛ برای نمونه، دو شهر را در نظر بگیرید که هر دو در «خدمات پزشکی» تخصص دارند، اما یکی در جراحی قلب و دیگری در تحقیقات مربوط به سرطان شهرت دارد. بنابراین شهروندان هر دو شهر به مشاوره شاغلین شهر دیگر نیاز دارند.

این مسئله این حقیقت را روشن می‌سازد که بازارهای محصولات هر شهر اغلب شهرهای دیگر هستند؛ رقابت شهرها یک بازی صفر و یک نیست (Harris, 2007). موفقیت یا ناموفقیت شهرها به یکدیگر بستگی دارد؛ این مطلب

تا حدودی شبکه‌های متعدد شهرها را که در صدد همکاری با یکدیگر هستند و هم‌چنین روابط «خواهرخواندگی»^{۱۶} شهرها را با یکدیگر توجیه می‌کند.

حال باید دید که سهم تهران در این تبادل جهانی چیست؟ یا چه می‌تواند باشد؟ هدف نهایی «تبدیل تهران به یکی از سه شهر مهم و برتر در آسیای جنوب غربی» است. اکنون سهم جهانی یا منطقه‌ای^{۱۷} این گروه از شهرها مانند بیروت، استانبول، آنکارا، ریاض، عمان، بغداد، قاهره، بندراسکندریه باکو، تاشکند، کراچی و بمبئی چیست؟ این شهرها چه نقش تکمیلی را نسبت به یکدیگر در شبکه منطقه‌ای ایفا می‌کنند و سهم ویژه تهران در این زمینه چه می‌تواند باشد؟

پرسش‌های اصلی در رابطه با چشم‌انداز را به این شرح می‌توان برشمرد:

- در سال ۲۰۰۹، نقش تهران در ایران و در منطقه چیست؟ این نقش چگونه ایجاد شده و گرایش‌های تاریخی و سمت و سوی آن چیست؟

- بر این اساس، به طور واقع‌بینانه تهران چه نقشی را در آینده می‌تواند برای ایران و جهان ایفا نماید؟

- گام‌های عملی مورد نیاز برای رسیدن از شرایط کنونی به وضعیت مورد نظر آتی چیست؟

۱- شهرهای جهانی

در گذشته، شهرهای بزرگ اصلی‌ترین تأمین‌کنندگان کالاهای تولیدی در خدمات برای اقتصاد ملی یا منطقه‌ای به شمار می‌رفتند.

با این وجود، در نیمه دوم قرن بیستم، مجموعه‌ای از تغییرات تقویت‌کننده متقابل اتفاق افتاد که این تصویر را دگرگون ساخت که به طور خلاصه از آنها به عنوان جهانی سازی، تمرکززدایی صنعتی و کلان‌شهرسازی یاد شد. جهانی سازی، بازارهای جهانی (که بازارهای ملی را از دور خارج کرد) و زنجیره‌های عرضه جهانی را ایجاد کرد که شرکت‌کنندگان بسیاری از کشورهای مختلف را به یک محصول جهانی ارتباط می‌داد و شناسایی ملیت کالاها، شرکت‌ها و سرمایه را به میزان روزافزونی مشکل می‌ساخت (شناسایی ناممکن بود، حتی با وجودی که تجارت جهانی به گونه‌ای رفتار کند که گویی همیشه آن محصولات متعلق به یک کشور بودند؛ مانند «اتومبیل‌های آمریکایی» و «ابریشم چین»). کشورهایایی که در گذشته صنعتی قلمداد می‌شدند، بیشتر ظرفیت‌های تولیدی خود را به تازه‌واردان و اقتصادهای در حال ظهور، واگذار کرده بودند و با پراکنده شدن تولید در جهان، تولید و جمعیت شهری به طور کلی در مناطق نوسهری^{۱۸} بزرگ‌تر، شامل هسته شهری قدیمی، سایر شهرها و شهرستان‌های پیرامونی منطقه‌ای، پراکنده شد؛ مانند سترال ولی^{۱۹} در مکزیک^{۲۰} یا دلتای رودخانه پرل^{۲۱} در چین جنوبی.

شهرهای صنعتی قدیمی برای تبدیل شدن به تأمین‌کنندگان خدمات جهان و اتصالات در جریان‌های جهانی (کالاها، تأمین مالی، افراد، ایده‌ها) به تجدید ساختاردهی می‌پرداختند.

این فرایندها یک انقلاب فکری را در پی داشت و با تأثیر از چند عامل تسریع می‌شد: با یأس مدیران شهرهای صنعتی قدیمی در حال از دست دادن تولید؛ سطوح بالای متعاقب بیکاری؛ متروکه شدن رو به گسترش شهرها^{۲۲} و سطوح رو به رشد فقر شهری^{۲۳}. شهرها تلاش روزافزون و شدیدی را برای بازگشت به وضعیت پیشین انجام می‌دادند. در کشورهای صنعتی بوستون^{۲۴}، پیتسبورگ^{۲۵}، بیرمنگام^{۲۶} (انگلستان)، گلاسکو^{۲۷}، روتردام^{۲۸} و لیل^{۲۹} و در کشورهای در حال توسعه بوگو تا^{۳۰}، مدلین^{۳۱} و شانگهای^{۳۲} را می‌توان نام برد که نمونه‌ای از انقلاب فکری در حال وقوع و آژانس‌های دولتی و خصوصی پیشرو

در لندن می‌باشند و پس از مشورت‌های گسترده با شهروندان، بازدیدکنندگان شهر و افراد ساکن در شهرهای رقیب، در سال ۱۹۹۰ تشخیص و تجوید^{۳۳} جدیدی را برای شهر فراهم کردند، «لندن: جهان‌شهری^{۳۴} به سوی سده بیست و یکم» (LPAC, 1990). این برنامه از روش‌شناسی و اهداف راه و روش برنامه قدیمی بسیار دور بود.

به احتمال زیاد یکی از شگرف‌ترین و پایدارترین تغییرات در بارسلونا، با بهره‌گیری از فرصت بازی‌های المپیک سال ۱۹۹۲، برای تجدید ساختاردهی شهر تولیدی قدیمی زمان فرانکو به کانون حمل‌ونقل جهانی و مرکز فرهنگی قرن آینده ایجاد شد^{۳۵}.

برای پاسخ به این پرسش که: چه نوع «شهری» از این فرایندها بیرون آمد؟ باید گفت در اصل، شهرها به گره‌هایی در شبکه جهانی تعاملات و مراکز مدیریت و پشتیبانی اقتصاد جهانی جدید تبدیل می‌شدند. به ویژه این مسئله این موارد را دربرمی‌گرفت:

- همان‌طور که بیان شد، شهرهایی ایجاد شد که به عنوان نقاط اتصال جریان‌ها، پایانه‌های هوایی، دریایی، جاده‌ای و راه‌آهن را پوشش می‌داد. اینکه شهر چه چیزی را در مکان خود تولید می‌کند (اقتصاد تولیدی قدیم)، به اندازه ظرفیت شهر در عمل به عنوان مهره کلیدی در نظام جهانی اهمیت نداشت؛

- مراکزی برای مدیریت جریان‌های تأمین مالی جهانی، گردآوری شده و توزیع سرمایه، خدمات بیمه و تجاری، در مکان‌های بخش تجاری مرکزی^{۳۶} متمرکز و اغلب در مراکز شهر^{۳۷} قدیمی یا دگرگون شده، یا در مراکز جدید (مانند مانیل^{۳۸}) قرار دارد. توسعه گسترده «خدمات تجاری» با این مسئله صورت می‌گیرد، تجمع گروه‌های مشاوره‌ای مربوط به تمامی امور تجاری، از حسابداری و معماری تا تبلیغات و بازاریابی؛

- بازارها؛ بازارهای کالاها در پیرامون شهری^{۳۹} قرار دارند، اما با قسمتی از بخش تجاری مرکزی جابه‌جا می‌شوند. فعالیت‌های همراه با بازارها یعنی کسب و کارهای کلی و خرده‌فروشی، هتل‌ها، رستوران‌ها، کلوب‌ها و امکانات گردشگری در ناحیه قدیمی «شهر قدیمی» مستقر می‌شوند؛

- آموزش، پژوهش و فناوری اطلاعات/ بایگانی؛ اخبار، امکانات خبرگیری و جستجوی داده‌ها و دانشگاه‌ها، مدارس و خدمات آموزش؛

- سلامت؛ بیمارستان‌ها، درمانگاه‌های تخصصی، آزمایشگاه‌های پژوهشی؛
- فرهنگ؛ تئاتر، سالن‌های کنسرت، ارکسترهای سمفونی، اپرا، فیلم، پخش برنامه، کتابخانه‌ها، موزه‌ها، مراکز برای فستیوال‌ها (جشنواره‌ها) - موسیقی، فیلم، نمایش و جز آن در شهر قدیمی استقرار می‌یابند.

- ورزش؛ مجتمع‌های ورزشی، ورزشگاه‌ها؛ مکان‌های مسکونی و جز آن؛ در پیرامون شهر مستقر می‌گردند و
- درنهایت، مراکز آماده خدمت قدیمی شهر مانند کارخانجات تولیدی اکنون در مقیاس کوچک و پژوهش‌محور در شهرک‌های پیرامونی صنعتی (مانند شهرک‌های علمی - فنی) مستقر شده‌اند و در برخی موارد با دانشگاه‌ها و آزمایشگاه‌های تحقیقاتی فعالیت می‌کنند.

ترکیب در حال تغییر ورودی‌ها و خروجی‌های شهر این موارد را روشن می‌سازد:

- تغییر ساختار اقتصاد شهر؛

- تغییرات تقاضا به مهارت‌های مختلف در نیروی کار (و بنابراین تغییرات در تدارکات آموزشی عرضه شده در شهر)؛

- تغییرات در توزیع فعالیت میان مکان‌های مختلف، و ظهور محلات ویژه کاری که نیاز به خدمات پشتیبانی دارند و

- تغییرات در جریان‌های کالاها و افراد میان مکان‌های مختلف شهر و فراتر از آن، که بر طرح نظام ارتباطی تأثیر می‌گذارد.

مجموع این شرایط شهر را مانند یک موجود زنده در حال تغییر نشان می‌دهد؛ در حال حرکت مستمر که توسط ساکنین ایجاد شده و دگرگون می‌شود و تنها ساختار کالبدی متشکل از جاده و ساختمان (محصول خارجی) فعالیت ندارد. بنابراین، تهیه چشم‌انداز برای تهران نیاز به شناسایی فعالیت‌هایی دارد که شهر در آن تخصص داشته یا در نظر دارد به آن تخصص دست یابد. از این رو بازنگری شکل کالبدی شهر، الگوهای تعاملات داخلی و خارجی آن ضرورت می‌یابد و همان‌گونه که پیش از این گفته شد، از آنجایی که این کار قمار بر آینده است، این چشم‌انداز باید نرمش‌پذیر و دارای ظرفیت تغییر و نوآوری باشد. بنابراین نباید با نرمش‌ناپذیری و با اولویت‌هایی فرمایشی و اجباری همراه باشد. با این وجود، اکنون زمان مناسبی برای تجدید ساختار شهر نیست، با وجود اینکه ایران، به دلیل منابع نفتی خود، تاحدودی از ناپایداری اقتصادی جهان محافظت می‌شود، آینده همچنان به طور بالقوه‌ای پرخطر و بیش از پیش پیش‌بینی‌نشده است.

۲- بحران اقتصادی جهانی

رکود اقتصادی جهانی کنونی از هم‌زمانی - و تقویت متقابل - سه بحران متفاوت در قلب اقتصاد جهانی، مناطق آتلانتیک و شرق آسیا، نشئت می‌گیرد:

الف) سرنگونی ناگهانی مراکز مالی جهانی (نیویورک، لندن، هنگ‌کنگ، سنگاپور و جز آنها)، پس از بحران در بازار مسکن ایالات متحده. بحران پس از شکوفایی این بازارها به مدت بیش از یک دهه به وجود آمد. سرعت و شدت این شکوفایی سبب شد نمایندگی‌های در حال رقابت، خطر کار را کم‌اهمیت جلوه داده و در پنهان کردن خطر، مبتکرانه عمل نمایند. افزون بر این، بازتاب جهانی این روند یعنی رشد کسری‌های خارجی ایالات متحده و مازاد آسیای شرقی‌ها، بحران را هر روز بیش از پیش حل‌نشده و در دام سیاست‌های دولت‌های مختلف گرفتار کرد. شکوفایی ناگهانی مالی، کوه‌هایی از دیون ساختگی^{۲۱} کنترل‌نشده ایجاد کرد؛ بنابراین گردانندگان، خطر بزرگ موجود را احساس کردند تا جایی که بازارها برعکس شد و یکی بعد از دیگری سرنگون شدند. لمن برادرز^{۲۲}، آ.ا.گ، فانی می^{۲۳} و نورتن راک^{۲۴} این فرایند، نسخه بزرگ شده‌ای از رویداد سال ۱۹۹۷ در جنوب شرقی آسیا، سال ۱۹۹۴ در مکزیک و فروپاشی اقتصادی «دات کام»^{۲۵} در سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۹۱ می‌باشد.

ب) فشار مالی رو به رشد؛ به دلیل نبود ناگهانی اعتبار در بخش مالی، رکود اقتصادی تقاضای جهانی را تسریع کرد که بازتاب آن در کاهش تجارت جهانی مشاهده شد و بنابراین رکود صنعتی «عادی»^{۲۶} را به دنبال داشت (از سال ۱۹۰۰، آمریکا ۲۲ بحران از این دست را پشت سر گذاشته است). پاسخ معمول به این بحران یعنی کاهش عرضه تا احیای مجدد تقاضا، ناموفق بود زیرا خطوط اعتباری برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری و تجارت زنده شده با بحران در سیستم مالی فلج شده بود. صادرکنندگان و قدرت‌های عمده تولیدی جهانی، یعنی آلمان، ژاپن، کره، چین و صادرکنندگان مواد خام صنعتی در کشورهای زیر صحرای آفریقا و آمریکای لاتین بیشترین آسیب‌ها را به این علت متحمل شدند.

ج) از دست رفتن جهت‌گیری سیاسی اقتصادی جهان با دستورات سیاسی از هم گسیخته. به زبان ساده، احیای از هم‌گسیختگی اقتصاد جهانی که از قلمرو ایالات متحده جریان می‌گیرد («اقتصاد» ایالات متحده)، به کمک واشنگتن به اقتصاد جهانی یا به بخش عمده‌ای از آن نیاز دارد. این امر در صورت همکاری بسیاری از کشورها و تلاش جهانی آنان

با یکدیگر انجام شدنی است که در بهترین حالت و بهترین زمان هدفی آرمانی بود ولی اکنون هدفی دور از دسترس است؛ زیرا کشورها به شدت درگیر رقابت هستند و نمی‌توانند از استقلال خود برای منفعت جمعی بگذرند.

تأثیرات این بحران بر کشورهای در حال توسعه بسیار پیچیده است؛ زیرا هرکدام از کشورهای در حال توسعه رابطه‌ای متفاوت و منحصر به فرد با اقتصاد جهانی دارند. برخورد این کشورها نسبت به رکود جهانی بسته به درجه باز بودن آنان در برابر تجارت جهانی و تحرکات سرمایه، متفاوت است. بنابراین، محدودیت‌های موجود در ایران، تأثیرگیری آن از بحران جهانی را کاهش داده، هر چند تأثیر نوسانات قیمت‌های انرژی‌گزینه‌ناپذیر است.

این بحران به شدت بر ورود جریان‌های سرمایه به کشورهای در حال توسعه و همچنین بر وجوه ارسالی کارگران شاغل در خارج از کشور و به پیرو آن بر تبادل ارز خارجی و مشکلات مالی تأثیر داشته و بازارهای صادرات کوچک‌تر شده‌اند (به خصوص در مورد مواد خام، مانند کشورهای زیر صحرای آفریقا). نوسانات شدید قیمت، مانند آنچه در بازارهای غذایی یا نفتی جهان دیده می‌شود، خطر بیشتری را تحمیل می‌کند (مانند تأثیر کاهش قیمت نفت بر ایران). البته، کشورهای نیز هستند که در رونق بلندمدت جهانی شرکت نکرده‌اند (مانند، میانمار^{۶۶}، کره شمالی^{۶۷})، بنابراین ساکنان آنها در فقر نامیدکننده‌ای گرفتار شدند. اما این دلگرمی همچنان وجود دارد که رکورد اقتصادی کمترین تأثیر را بر آنها می‌گذارد.

عکس‌العمل اجباری کشورهای پیشرو جهان، تلاش در تأمین مالی بخش‌های مالی، افزایش دیون خود به میزان قابل ملاحظه و تلاش برای قرار دادن جهت سیاسی اقتصاد ملی از خطرناک‌ترین وضعیت به سمت حمایت‌گرایی است. با این وجود، اکنون برای احیای اقتصاد در جهان پیشرفته، بدون وارد آمدن آسیب‌های جبران‌ناپذیر به اقتصاد جهانی و پتانسیل خارق‌العاده، رشد آن بسیار دیر است. هم‌اکنون سرمایه در جهان به گردش درآمده و نظامی برای برگرداندن آن به مکان اصلی وجود ندارد؛ البته، رابطه میان کسب‌وکار خصوصی و دولت‌ها بسیار متفاوت و پیچیده است. بنابراین صدور یک حکم کلی، عملی شتابزده تلقی می‌شود، باید همیشه به خاطر داشته باشیم که یکی از بزرگ‌ترین مراکز جغرافیایی سرمایه در جهان، «مجتمع نظامی-صنعتی» ایالات متحده^{۶۸}، در شرایطی برای نجات نیاز به وطن‌پرست دارد (هرچند در آنجا نیز جهانی‌سازی بازارها و عرضه اتفاق می‌افتد، حتی اگر توسط دولت ایالات متحده و با خاصه خرجی‌های محلی مربوط به منافع سیاسی محدود شده باشد).

همان‌گونه که پیش‌بینی می‌شود، تأثیرات بحران بر شهرها بیشتر از کشورها است:

- همان‌طور که در مجتمع عظیم مؤسسات تولیدی جنوب چین مشاهده می‌شود، بخش‌های خاصی از فعالیت‌های صادراتی به شدت از این بحران متأثر شده‌اند. افزایش بیکاری، بر اثر رکود، مصرف داخلی را کاهش داده و انقباض را دوبرابر می‌کند؛ کم شدن گردشگرها بر هتل‌ها، رستوران‌ها، فرهنگ و ورزش تأثیر داشته و تمامی این موارد و بازتاب آن بر کاهش ساخت‌وساز، بیکاری را افزایش داده که اغلب با تأثیرات نامتناسبی بر کارگران مهاجر، انقباض از شهر به اطراف شهرها گسترش می‌یابد.

- جریان‌های بین‌المللی سرمایه که بر سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های شهر بسیار تأثیر می‌گذارند، به شدت از این رکود تأثیر پذیرفته‌اند. از آنجایی که بحران، ظرفیت شهر را برای گردآوری تأمین مالی به منظور سرمایه‌گذاری و همچنین جریان‌های مالی دولت مرکزی را به شهرها کاهش داده، تمامی نیروهای نگهدارنده سرمایه‌گذاری شهر تهدید می‌شوند.

- بدترین مسئله، افزایش بیکاری است؛ زیرا تأثیر آن بر کارگران جوان بیشتر است. همان‌طور که در رکودهای پیشین مشاهده شد (در رکود سال‌های ۱۹۲۹-۱۹۳۲، نرخ بیکاری در برخی مناطق به ۲۵ درصد نیروی کار رسید)،

فقر خانوارها افزایش یافته، بازار مسکن خراب‌تر شده و در نتیجه شرایط رکود بدتر می‌شود. در برخی موارد این امر منجر به زوال شهرها^{۹۹} و نابودی کل منطقه می‌شود. کاهش وجوه ارسالی از سوی کارگران مهاجر در شهر، این کسادی را به مناطق روستایی گسترش می‌دهد.

- رکود، اجباری قدرتمند و ناراحت‌کننده در تجدید ساختاردهی اقتصاد شهر است؛ یعنی شکل‌دهی مجدد ویژگی‌های مربوط به آمادگی برای از سرگیری رشد؛ در رکود شدید سال‌های ۱۹۷۳-۱۹۷۵ و به دنبال آن ۱۹۷۹-۱۹۸۰ بود که کاهش شدید تولید در شهرهای صنعتی قدیمی‌تر اروپا و آمریکای شمالی آغاز شد. نخست بر صنایع سنگین قدیمی تأثیر گذاشت (کاهش در رور^{۱۰۰}، پتیسبورگ^{۱۰۱}، گری-ایندیانا^{۱۰۲} و گلاسکو) و سپس بر شهرهای تولیدی با رشد بالا (دیترویت^{۱۰۳}، کلن^{۱۰۴}، بیرمنگام^{۱۰۵} و بریتیش وست میدلندز^{۱۰۶})؛ با این وجود، در صورتی که اقتصاد شهر به اندازه کافی «انعطاف‌پذیر» باشد، می‌تواند از چنین تجربیات تکان‌دهنده‌ای جان سالم به‌دربرد. هنگ‌کنگ صنعتی شدن و صنعت‌زدایی شدن طی نیمه سده گذشته را بدون بیکاری و متروک‌شدگی شهری^{۱۰۷} پشت سر گذاشت^{۱۰۸}.

اغلب شهرهایی که از دهه ۷۰ صنعت‌زدایی شده‌اند، اکنون موفق به تجدید ساختاردهی شده و بخش‌های جدیدی را برای حفظ رونق و شکوفایی ایجاد کرده‌اند^{۱۰۹}؛ بنابراین برای جذب تأثیرات رکود کنونی در موقعیت بهتری قرار دارند. شهر دیترویت تجدید ساختاردهی نکرده و یا تجدید ساختاردهی آن کافی نبوده و اکنون با رکودی ویران‌کننده

روبروست؛ زیرا سه تولیدکننده خودرو آمریکا درهم‌کوبیده شده‌اند. عرضه‌کنندگان دوراندیش خودرو مدت‌هاست که به ایالت‌های جنوبی آمریکا، آمریکای لاتین و شرق یا جنوب شرق آسیا نقل مکان کرده‌اند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، اشتغال در صنعت خودروسازی در طی سه سال با ۵۵ درصد کاهش مواجه شد، که تأثیرات آن دامنگیر اغلب فعالیت‌های دیگر مانند مسکن،

در طول تاریخ، شهرها بارها خود را احیا کرده و برخی نیز در این زمینه ناموفق بوده و نابود شده‌اند. تجدید ساختار، پیش‌شرط بقا و ایجاد بنیان اقتصادی رشد آینده است

خرده‌فروشی، تجارت، هتل‌ها و خدمات شد. گسترش زوال شهرها^{۱۱۰} و مهاجرت به سمت بیرون به نظر اجتناب‌ناپذیر است. دیترویت که زمانی الگوی شهری با رونق تولیدی بود، اکنون دورنمایی غم‌انگیز دارد.

- ممکن است که رکود موجب تسریع در پراکنش جمعیت از مراکز شهرها^{۱۱۱} به مناطق کلان‌شهری بزرگ‌تر شود، زیرا قیمت در مراکز خرید و محل سکونت در آن مناطق کمتر است. این مسئله هزینه تأمین خدمات شهری و راه‌های مناطق بزرگ با تراکم جمعیت پایین را بالا می‌برد؛ اما مکان‌های درونی شهر را از ساخت‌وساز مجدد بی‌نیاز می‌کند تا شکلی کالبدی به شهر جدید بدهد که به جای مکان تولید تأمین‌کننده خدمات است^{۱۱۲}.

در طول تاریخ، شهرها بارها خود را احیا کرده و برخی نیز در این زمینه ناموفق بوده و نابود شده‌اند. تجدید ساختار، پیش‌شرط بقا و ایجاد بنیان اقتصادی رشد آینده است. سنگاپور در کمتر از نیم‌قرن از اقتصاد پیش‌پا افتاده کارگری که در دهه ۶۰ به صادرات فراوان نیروی کار منجر شد، به مرکز گردشگری و تجاری خرده‌فروشی، تأمین مالی، تولید فناوری پیشرفته و پژوهش، مرکز تحقیقات پزشکی و مرکز دانشگاهی تبدیل شده است. شهرهای دیگری نیز از این الگوی امتحان شده پیروی کردند؛ مانند بارسلونا، هنگ‌کنگ، و تا میزان کمتری، دوی.

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، حکومت مرکزی تصمیم‌گیری‌ها و طرح‌های محلی را ناممکن می‌سازد و یا ممکن است مانند عربستان سعودی مراجع مسئول محلی، مانند بازوی محلی حکومت مرکزی عمل کنند. در هندوستان (در تضاد جالب

توجهی با چین)، حکومت محلی ناامیدانه اسیر سرکوب سیاست‌های محلی، تشریفات اداری و فساد دولت مرکزی است؛ بنابراین آرزوی مدیران بمبئی^{۳۳} برای سرمشق قرار دادن شانگهای، بدون دگرگونی بنیادی حکومت محلی، از ابتدا محکوم به نابودی است. اقتصاد جهان دوباره شکوفا خواهد شد و شاید هم‌اکنون نیز در حال رونق‌گیری باشد. به نظر می‌رسد چین و هند که مانند نواحی مرکزی آتلانتیک از بحران اقتصاد جهانی آسیب ندیده‌اند، سردمداران این بهبود هستند. در سرزمین‌های مرکزی، منطقه آتلانتیک و شرق آسیا، زمان بیشتری را برای بهبود لازم خواهند داشت، البته شاید از میزان بیکاری در این مکان‌ها هنوز کاسته نشده باشد.

رکود می‌تواند در بهترین شرایط، فرصتی برای مدیران شهر فراهم سازد تا نقشه شهر خود را تغییر داده و از فرصت‌هایی که رشد آتی اقتصادی در اختیار آنان قرار می‌دهد، به نفع شهروندان کنونی و آینده سود برند.

این مسئله نیازمند تحلیل مناسب و صحیحی از موارد زیر است:

- آنچه که شهر و جهان اکنون درگیر آن می‌باشند، روش‌های کنونی تجدید ساختار اقتصادی به منظور شناسایی فرصت‌ها و تهدیدها است؛

مسئولیت پایتخت کشور، یعنی شهری که راحت‌ترین مکان برای ایجاد شغل تلقی می‌شود، سازماندهی شهر برای سریع‌ترین مرحله رشد اقتصادی به منظور به حداکثر رساندن اشتغال می‌باشد

•••

تهران می‌تواند و باید به یک «شهر جهانی» تبدیل شود؛ اما پرسش این جاست که آیا این روند با فشار بازار جهانی انجام می‌گیرد؟ یعنی روندی تصادفی که انتخاب می‌کند تهران باید در چه زمینه‌ای تخصص داشته باشد؟ یا با اقدام و خواسته مدیران شهر و شهروندان و طراحی روندی منسجم صورت می‌گیرد که صدمات تغییر ناگهانی را برای شهروندان و بافت شهری به حداقل برساند

- با توجه به مورد بیان شده، تخمینی از نقاط قوت و ضعف نسبی آنچه که شهر هم‌اکنون با در نظر گرفتن گرایش‌های تقاضای محلی و جهانی انجام می‌دهد، لازم است؛

- ارزیابی سیستم آموزشی شهر (نیاز کنونی و آتی به مهارت‌ها، اصلی‌ترین مبنای ظرفیت شهر برای گذراندن زندگی)؛

- موانع کنونی برای رشد سیاست‌های محلی و ملی و چگونگی غلبه بر آنها؛

- کمبودهای عرضه مؤثر و مفید خدمات عمومی (آب، جمع‌آوری پسماند، برق و حمل‌ونقل) و ایجاد محیطی

برای تسهیل فعالیت‌های شهروندان و پاسخ به این پرسش که چگونه می‌توان آنها را با وجود محدودیت‌های بسیار کنونی در تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی برطرف ساخت و

- درنهایت، پیامدهای ضمنی این برنامه برای تأمین مالی و اصلاح شیوه مدیریتی شهر، در سطح حکومت‌های محلی،

استانی و ملی و هم‌چنین به دست دادن تصویر گسترده‌تری از حکمروایی شهر و مشارکت شهروندان در مدیریت شهر.

جمع‌بندی

تبدیل تهران به شهری جهانی همان‌گونه که در سند چشم‌انداز توسعه شهر مدنظر است، نیاز به تغییرات ساختاری قابل ملاحظه‌ای دارد؛ یعنی تغییرات باید با بافت کالبدی شهر بیشتر از خود شهر هماهنگ باشند:

پی‌نوشت:

1- nigel.harris@dpu-associates.net

www.harrisnigel.com

2- Development Planning Unit (DPU)

3- University College London (UCL)

4- City Development Strategies (CDS)

5- Padco

6- European Policy Centre

7- Brussels

8- Migration Commission of the Royal Society

of Arts, Industry, etc

9- Patrick Wakely

10- Peter Townroe

11- Uk Economic and Social Research Council

12- Tehran City Vision Statement

۱۳- تنها نسخه‌ای خلاصه (به انگلیسی) در هنگام تهیه این

مطلب در دسترس بود، بنابراین امکان ارزیابی مبانی عقلانی

چشم‌انداز وجود نداشت. در اینجا از نسخه ترجمه ماجدی

(۲۰۰۹) استفاده شده است..

14- Methodology

15- Global City

16- Twinning

۱۷- آیا در حقیقت «منطقه» به جز معنای جغرافیایی آن وجود

دارد؟ آیا این شهرها در یک منطقه جغرافیایی از نظر اقتصادی

و اجتماعی در تعامل بیشتری با یکدیگرند یا با شهرهای خارج

از منطقه؟

18- Semi - Urbanized

19- Central Valley

20- Maxico

21- Pearl

22- Urban Dereliction

23- Urban Poverty

24- Boston

25- Pitlsburgh

26- Birmangham

27- Glasgow

28- Rotterdam

29- Lille

30- Bogota

31- Medellin

- به تولیدکننده خدمات با ارزش جهان تبدیل شود و زیرساخت‌های مناسب، پایداری این تولید را پشتیبانی کنند؛

- به اقتصاد باز رقابتی تبدیل شود و

- به اقتصادی با مهارت‌های شغلی بالا، بر مبنای پژوهش و نوآوری تبدیل شود.

مسئولیت بخش عمده برونداد ایران برعهده تهران است؛ بنابراین سهم آن در بهبود رفاه ایرانیان نباید بیش از واقعیت برآورده شود^{۶۴}. تهران یکی از مهم‌ترین مراکز ملی آموزش پیشرفته و پژوهش (منبع شکوفایی آتی کشور) است.

این شهر، مانند تمامی شهرهای بزرگ، موتور اصلی رشد اقتصادی است، ایجادکننده بزرگ اشتغال و درآمد در شرایطی که ویژگی‌های آن درصد بالای بیکاری به ویژه بیکاری جوانان و قشر تحصیل کرده است. بیکاری بزرگ‌ترین منبع بدبختی قربانیان و عامل به هدر رفتن منابع عظیم ملی کل کشور می‌باشد. می‌توان گفت تا سال ۲۰۱۰، سالانه ۳۰,۰۰۰ نفر جویای کار تمایل ورود به بازار کار را دارند و برای نگهداشتن نرخ بیکاری در ۱۶ درصد، رشد اقتصادی باید سالانه ۶۵ درصد باشد. مسئولیت پایتخت کشور، یعنی شهری که راحت‌ترین مکان برای ایجاد شغل تلقی می‌شود، سازماندهی شهر برای سریع‌ترین مرحله رشد اقتصادی به منظور به حداکثر رساندن اشتغال می‌باشد.

افزون بر این، میزان دستیابی شهر به پتانسیل بالقوه آن باید ارزیابی شده و درباره جنبه‌های مختلف بلندپروازی‌های آتی اندیشیده شود. برای نمونه، با توجه به مهارت‌های قابل توجه کنونی شهروندان جوان، آیا تهران می‌تواند به منبع عمده ارتباطات جهانی و نوآوری‌های نرم‌افزاری تبدیل شود؟ آیا می‌تواند به مرکز جهانی یا منطقه‌ای تحقیقات پزشکی و درمانی تبدیل شود؟ با توجه به فراوانی‌های ایران از نظر زیبایی‌های طبیعی و تاریخی، آیا شهر می‌تواند سالانه پذیرای ۲۰ میلیون گردشگر باشد؟ و تمامی نوسازی‌های مربوط به این امر را در شهر انجام داده، خرده‌فروشی، سرگرمی و محل سکونت را گسترش دهد؟ آیا می‌تواند میزان بازی‌های المپیک یا سایر رویدادهای ورزشی (جام جهانی) یا فرهنگی بزرگ باشد؟ تهران می‌تواند و باید به یک «شهر جهانی» تبدیل شود؛ اما پرسش این جاست که آیا این روند با فشار بازار جهانی انجام می‌گیرد؟ یعنی روندی تصادفی که انتخاب می‌کند تهران باید در چه زمینه‌ای تخصص داشته باشد؟ یا با اقدام و خواسته مدیران شهر و شهروندان و طراحی روندی منسجم صورت می‌گیرد که صدمات تغییر ناگهانی را برای شهروندان و بافت شهری^{۶۵} به حداقل برساند.

- 32- Shanghai
- 33- Diagnosis and Prognosis
- 34- World City

۳۵- سهم بارسلونا و مراجع مربوط را در اثر فابریوس (Fabricius) و هریس (Harris)، سال ۱۹۹۶ ملاحظه نمایید.

- 36- Central Business District (CBD)
- 37- City Centers
- 38- Manila
- 39- Urban Periphery
- 40- Fictitious debt
- 41- Lehman Brothers
- 42- Fanny Mae
- 43- Northern Rock
- 44- The “Dot-Com” Crash
- 45- “Normal” Industrial Recession
- 46- Myanmar
- 47- North Korea
- 48- Us “Military- Industrial Complex”
- 49- Urban Dereliction
- 50- Ruhr
- 51- Pittsburg
- 52- Gary – Indiana
- 53- Detroit
- 54- Cologne
- 55- Birmingham
- 56- British West Midlans
- 57- Urban Dereliction



۵۸- به تغییرات شدید در هنگ‌کنگ در نتیجه صنعت‌زدایی توجه کنید - اشتغال در تولید در سال‌های ۱۹۸۱-۲۰۰۰، از ۳۹ درصد به ۱۰ درصد نیروی کار تقلیل یافت؛ در همان زمان اشتغال در بخش خدماتی از ۵۲ درصد به ۸۰ درصد افزایش داشت.

۵۹- اشتغال تولیدی لندن از ۱/۵ میلیون نفر در سال ۱۹۵۱ (۳۴ درصد مجموع اشتغال)، به ۱/۲ میلیون نفر در اوایل دهه ۷۰ (۲۴/۸ درصد مجموع اشتغال) و ۲۶۷۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۳ (۶ درصد) رسید. در همان زمان «تأمین مالی و بانکداری» از ۴۸۰۰۰۰ (۱۱/۲ درصد) در سال ۱۹۵۱، در سال ۲۰۰۳ به بخش جدید «تأمین مالی و خدمات تجاری» تبدیل شده و اشتغال در آن به ۱/۴ میلیون نفر (۳۱/۵ درصد) رسید. در کنار آن، اشتغال در «صنایع هنری» (از تبلیغات و معماری تا هنر و عتیقه‌جات، موزیک، رادیو و تلویزیون و انتشارات) از نفراتی بسیار اندک به ۶۴۰۰۰۰ رسید.

- 60- Urban Dereliction
- 61- City Centers

۶۲- علت این مسئله تنها کاهش تولید نیست. تحول سیستم حمل‌ونقل فرصت‌های جدیدی را برای ساخت‌وساز مجدد در اختیار قرار می‌دهد، بنابراین، کاهش امکانات بندری گسترده قرن نوزده لندن باعث تجدید ساخت‌وساز عظیمی شد، یعنی لندن داکلندز (London Docklands)، به عنوان ادامه مالی شهر لندن. اتفاق مشابهی نیز در لور ایست ساید (Lower East Side) در نیویورک نیز اتفاق مشابهی افتاد، ساخت‌وساز مجدد لنگرگاه‌ها به منظور ایجاد مراکز جدید فعالیت‌های مربوط به سرگرمی و امور فرهنگی اکنون بسیار معمول است (دارلینگ بی (Darling Bay) در سیدنی (Sydney)، کیپ تاون (Cape town)، یوکوهاما (Yokohama) و بالتیمور (Baltimore)). افول منطقه کارخانجات نساجی بخش قدیمی داخلی بمبئی (Mumbai) فرصت‌های مشابهی را ارائه می‌کند، اما در بند ناسازگاری‌های سیاسی است (همان‌طور که برای مدل‌های طولانی در رابطه با لنگرگاه‌های لندن (London)

- 63- Mambai
- 64- Cannot be overestimated
- 65- Urban Fabric

منابع:

- Fabricius, Ida, and Nigel Harris, editors, (1996), *Cities and Structural Adjustment*, ODA-DPU, UCL Press, London.
- GLA Economics, (2004), *Workforce estimates*. GLA, London.
- Harris, N.,(2007), *Measuring City Competitiveness*. Paper: input to World Bank study of competitiveness in four Latin American cities, Posted on www.dpuassociates.com - Nigel Harris.
- LPAC (London Planning Advisory Committee), (1990), *London: world city moving into the 21st century, a research project*. LPAC, London.
- Majedi, H., (2009), *Strategic structure plans: processes and approaches*. Paper: seminar on urban development plans, IAARA, Tehran, 20-21st May.

